وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال اول | شماره ٤٥ | چهارشنبه ٢ میزان ١٣٨٢ | ٢٧ رجب المرجب ١٤٢٤ - | 24 September 2003

سرمقاله

رئیس دولت از مشکلات اساسی چیزی نگفت

ص٢

قرائت جنبش های اسلامی از دموکراسی

ص٦

رئیس دولت در مجمع عمومی سازمان ملل

خواستار گسترش نیروهای امنیت وهمکاری بین المللی به ولایات شد



اجلاس سالیانهٔ سازمان ملل شام روز دوشنبه ٣١ سنبله مطابق ٢٢ سپتامبر سال جاری میلادی در شهر نیویارک دایر گردید.

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان که در رأس یک هیئت عالی رتبه دولتی غرض اشتراک در این اجلاس به ایالات متحده آمریکا سفر کرده است، او ضمن اشتراک در پنجاه وهشتمین اجلاس بزرگ جهانی در بارهٔ اهم مسایل مربوط اوضاع داخلی و روابط خارجی افغانستان سخنرانی کرد.

حامد کرزی ضمن این سخنرانی به مسایل و نکات مهمی تاکید ورزید:

"برای من اسباب سرور و افتخار بزرگ است که می بینم کودکان افغان، اعم از دختر یا پسر به مکتب می روند و مردم خواه پیر یا جوان می توانند به وزارت خانه ها و ادارات دولتی رفته و نسبت به کار کردهای دولت شکایات شان را تقدیم کنند".

"برای من مایه خرسندی بزرگ است که ملاحظه می کنم مردم ما به قانون اساسی شان تا این حد دلچسپی دارند و در بارهٔ آن اظهار نظر می کنند".

ص٨

دنړیوال ائتلاف هوايي ځواکونو په ارګون کې بمونه وغورځول

دافغانستان او پاکستان ترمنځ په سرحدي او قبايلي سيمو کې حالات په پرله پسې توګه مخ په کړکيچ روان دي چې په دې ترڅ کې تيره ورځ دنړيوال ائتلاف دجنګي الوتکو له خوا د پکتيکا ولايت دارګون په يوه غرني سيمه کې بمونه وغورځوول شول خو تر اوسه ددغې بمباري له امله دمالي او خاني زيان په باب کوم رپوټ نه دي ورکړ شوي.

بلخوا پاکستاني خبري رسنيو هم ددې خبري پخلي کړي دي او ويلي دي چې دغو الوتکو دپاکستان په قلمرو کې هم ډير بمونه وغورځول چې په نتيجه کې دانګور اډې لويديځ دري کيلو متري سيمه کې ديوه کلي دري کورونه ويجاړ شول دافغانستان دولت په دغو سيمو کې نا آراميو پړه دپاکستان پر حکومت اچولي خو پاکستاني مقامات ددې نا آراميو علت دافغانستان دحکومت بې کفايتي بولي.

به مناسبت روز جهانی صلح

اگر پیل زوری و گر شیر چنگ به نزدیک من صلح بهتر که جنگ

صلح هدفی در دوردست ها!

ص٢

مجلهٔ آمریکایی تایم:

مقامات امریکایی باطالبان تماس دارند

علی کوهستانی

روزنامهٔ "سهار" چاپ پیشاور پاکستان در شمارهٔ روز شنبه ٢٩ سنبله خود بر پایهٔ آن چه در یکی از شماره های مجلهٔ امریکایی تایم آمده است سرمقاله یی نگاشته که در عنوان آن آمده است آمریکایی ها به صورت پنهانی با طالبان به تبادل نامه و مذاکره پرداخته اند.

در صورتی که این موضوع صحت داشته باشد می توان نتیجه گرفت که از هم اکنون آمریکایی ها نسبت به پیروزی قریب الوقوع در جنگ بر ضد آنچه بقایای طالبان والقاعده خوانده می شود چندان امیدواری نداشته دروازه های پنهانی تماس و تفاهم با طالبان را باز نموده اند.

با توجه به روند تحولات نظامی در کشور و با توجه به گسترش روز افزون حملات چریکی در مناطق مشرف بر نوارهای مرزی افغانستان با پاکستان که توسط افراد و دسته های وابسته به طالبان والقاعده انجام می شود، و هدف از آن عمدتاً ضربه زدن به نیروهای خارجی مستقر در ولایات جنوبی افغانستان است، اقدامی که آمریکایی ها ممکن است روی دست داشته باشند، چندان غیر عادی و غیر قابل پیش بینی جلوه نمی کند.

دولت مرکزی روز تا روز در جهت تحقق وعده های سپرده شده به مردم دچار آشفته گویی و تناقض می گردد. این مسأله یی است که طالبان والقاعده می توانند از آن استفاده و بهره برداری نمایند،از وضعیت عمومی که در افغانستان حاکم است، متأسفانه عطر خوشی به مشام نمی رسد و نمی شود ساده لوحانه انتظار داشت که در همین فردای پیشرو یک افغانستان سراسر آرام و بی درد سر از میان انبوه عظیم کسالت ها و بی کفایتی ها سر بیرون خواهد کرد.

با نهایت تأثر باید بیان داشت که هر اقدامی که دولت روی دست دارد با شعارها و اهداف عنوان شده یی که بعد از فروپاشی طالبان مطرح گردید، در بسیاری از موارد در تضاد آشکار قرار می گیرد.

ص٢

نیروهای آمریکایی در عراق هدف حمله قرار می گیرند

نیروهای نظامی آمریکا در عراق در نزدیکی شهر فلوجه، واقع در غرب بغداد پایتخت این کشور، به عملیاتی دست زده اند. گزارش های محلی حاکی از آن است که در حملهٔ تانکهای آمریکایی به دو خانه در یک روستا، سه نفر کشته و سه تن دیگر مجروح شدند.

نیروهای آمریکایی در منطقهٔ فلوجه با مقاومت زیادی از طرف عراقی ها روبرو بوده اند و حملات متعددی علیه آنها صورت گرفته است.

گفته می شود فدائیان صدام حسین و جنگجویان وفادار به رهبران حزب بعث، حزب حاکم در رژیم سابق عراق، در فلوجه مستقر هستند.

تازه ترین حملهٔ نیروهای آمریکایی در حالی صورت می گیرد که در پی انفجاری در روز دوشنبه، ٢٢ سپتامبر، که ظاهراً ناشی از بمب گذاری انتحاری در نزدیکی مقر سازمان ملل متحد در بغداد بوده است، تدابیر امنیتی در عراق شدت یافته است.

قرار یک گزارش دیگر مقامات آمریکایی در عراق تایید کرده اند که دو سرباز آمریکایی مستقر در عراق در جریان حملهٔ به خودروی آنها درشهر خالدیه، واقع در غرب بغداد، مجروح شده اند.

شاهدان عینی می گویند انفجار یک بمب باعث شد که خودروی حامل حدود ده سرباز آمریکایی در آتش بسوزد. شاهدان ادعا کردند که شمار زیادی از سربازان آمریکایی از میان لاشهٔ خودرو بیرون کشیده شدند و گفته شده که دست کم سه سرباز آمریکایی کشته و تعدادی دیگر نیز مجروح شده اند.



آمریکا می گوید بعد از انفجار مردان مسلح به ستون نیروهای نظامی تیراندازی کرده اند. ص٦

٦ جوزا یا ٢٨ اسد

کدام یک روز استرداد استقلال کشور ما ست؟ (٢)

ص٥

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

رئیس دولت از مشکلات اساسی چیزی نگفت

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در پنجاه وهشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشتراک ورزید. وی ضمن سخنرانی اش در این نشست به بهبود اوضاع امنیتی و اجتماعی و اقتصادی در افغانستان نظر به سالیان پیش اشارت کرد و به گونهٔ مشخص رفتن شاگردان به مکتب به ویژه دختران، و تسوید قانون اساسی، و تأمین امنیت نسبی در کشور را از دست آوردهای مهم دولت خویش خواند. گسترش امنیت در سراسر کشور را با گسترش عملیهٔ بازسازی بسته دانست و آن را با میزان کمک های کشورهای کمک دهنده، و نیز از کشورهای عضو ناتو به ویژه آمریکا و بریتانیا و کانادا خواست تا نیروهای امنیت و همکاری مستقر در کابل را به دیگر ولایات افغانستان نیز بفرستند.

بی تردید این مطالب چیزهایی است دولت آقای کرزی برای موفق به در آمدن از دشواری هایش بدان ها شدیداً نیازمند است و برای دست یافتن به این چشم اندازها به پیش زمینه هایی نیاز دارد تا توانایی آن را به عنوان یک دولت کار آی به اثبات برساند.

چیزی که بدون آن دولت آقای کرزی نمی تواند اعتماد کشور های کمک دهنده و از همه مهمتر ایالات متحدهٔ امریکا را کسب نماید، مسأله یی که تا هنوز در عمل دولت آقای کرزی در آن موفقیتی چندان چشمگیر نداشته است. و شاید به همین دلیل بوده است که بسیاری از دولت ها، کمک های وعده سپردهٔ خود را تا هنوز به افغانستان نداده اند و یا بخشی کلان آن را از راه های غیر دولت تحویل داده اند که دولت به گونهٔ درست نتوانسته است از آن ها در جهت استحکام بخشیدن به پایه های خود یاری جوید.

شاید آقای کرزی برای همین نیرومند نشان دادن دولتش بوده است که همزمان با اقدام به این سفر دست به یک سلسله کارهایی زیر نام اصلاحات زد که آوردن تغییرات در کادر رهبری وزارت دفاع ملی، واعلان تشکیل کمیسیون مستقل اصلاحات اداری وخدمات ملکی، و تشکیل کمیسیونی جهت بررسی مسایل پروژهٔ شیرپور را می توان از موارد بارز آن خواند.

بی گمان این کارها بی آن که به جوهر آن ها توجهی داشته باشیم برای به دست آوردن این هدف ها، شاید در این سفر آقای کرزی را یاری کند ولی در درون جامعهٔ افغانستان برایش دشواری هایی تازه به وجود خواهد آورد. چون همگان می دانند که دولت آقای کرزی گذشته از آن که حمایت بیرونی را با خود داشت در نتیجهٔ یک فرایند تفاهم داخلی میان نیروهای اثر گذار بر روند مسائل افغانستان به وجود آمده بود و تا هنوز نیز نمی توان اثر این عامل را در تداوم دولت آقای کرزی نا دیده انگاشت.

از جانب دیگر باید دانست که وضعیت نسبتاً خوب کنونی بازدهٔ مشارکت نیروهای مؤثر و چشم داشتن آنان به مشارکت ملی در همه پهلوهای زندگی جمعی مردم بوده است که دموکراسی واقعی و رجعت به آرای مردم در دولتمداری پایهء بنیادین آن را می سازد و قانون اساسی مبتنی بر ارادهٔ مردم و خواسته های آنان سنگ زیرین این پایه را، مسأله یی که مردم در قبال آن به شدت نگران هستند؛ چون روند شک آلود کار قانون اساسی ماهیت صداقت در مردمی بودن آن و آیندهٔ دموکراسی در افغانستان را به نیرومندی آسیب رسانیده است.

برای به نمایش گذاردن استحکام و توانمندی دولت وکسب اطمینان دوستان و کمک دهندگان افغانستان بایسته می نماید که دولت آقای کرزی در جهت عملی کردن تعهدات خویش در لویهٔ جرگه پیشین و کسب اعتماد مردم در مشارکت راستین آنان در آیندهٔ کشور گام بردارد.

اگر پیل زوری وگر شیر جنگ
به نزدیک من صلح بهتر که جنگ

صلح هدفی در دوردست ها!

وحید مژده

وقتی از جنگ و صلح سخن به میان می آید بی اختیار به یاد سخنانی از ویل دورانت می افتم که گفته بود: جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی چیزی از آن نکاسته اند. از ۳۴۲۱ سال اخیر که انسان تاریخ مدون دارد ۲۶۸ سال آن بدون جنگ گذشته است.

این سخنان را دورانت در ده ها سال قبل نوشته بود ولی دریغ که گذشت چند دهه چیزی به سالهای صلح نیفزوده و از سالهای جنگ نکاسته است. جنگ به عنوان عنصر پایدار تاریخ همچنان یکه تاز این میدان است و صلح پایدار، آرمان و آرزویی تا هنوز بیش نیست.

گفته می شود که گسترش دموکراسی در جهان، صلح به ارمغان خواهد آورد. زیرا در یک رژیم دموکراتیک، تصمیم اصلی با مردم است و مردم همیشه صلح را بر جنگ ترجیح می دهند. مردم با راه حل نظامی موافق نیستند، رژیم هایی که جهان را به سوی جنگ سوق داده اند رژیم های دیکتاتور و فاشیست بودند و برعکس دموکراسی ها صلح طلب. سوال این ست که ریشهٔ جنگ ها و کشمکش ها فقط در ماهیت رژیم ها نهفته است ویا عوامل دیگری این باب نیز درخور توجه اند؟

از صلح سخن می گوییم ولی در جهانی که فاصله میان ثروت و فقر به حدی است که اکثریت عظیمی از انسانهای این کرهء خاکی در زیر خط فقر زندگی می کنند، صلح برای آنان تداعی کنندهء چه مفهومی خواهد بود؟ با توزیع نابرابر ثروت های جهان به دست یک اقلیت صاحب امتیاز و یک اکثریت کم نصیب چگونه می توان امیدوار به صلح جهانی بود؟ مگر نه این است که "به تنگ آید به جنگ آید"؟

از صلح سخن می گوییم ولی در جهانی که فاصله میان ثروت و فقر بحدی است که اکثریت عظیمی از انسانهای این کرهء خاکی در زیر خط فقر زندگی می کنند، صلح برای آنان تداعی کنندهء چه مفهومی خواهد بود؟

در کشور های به اصطلاح روبه توسعه هرسال حدود ۱۸ میلیون نفر به سبب گرسنگی و یا بیماری هایی می میرند که به سادگی قابل معالجه است ولی فقر مفرط حتی امکان تداوی امراض عادی را نیز از آنان گرفته است.

به قرار گزارش برنامهء توسعه سازمان ملل متحد، ۲۳ درصد از جمعیت کرهء زمین ۸۵ درصد از درآمد جهانی را به خود اختصاص داده اند درحالی که به ۷۷ درصد از مردم جهان فقط ۱۵ درصد از درآمد جهانی تعلق می گیرد. و اگر این نکته را در نظر بگیریم که همین درآمد اندک نیز به صورت عادلانه توزیع نمی شود، می توان به میزان فاصله میان ثروت و فقر یا شمال و جنوب پی برد.

آقای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل از کشور های جهان خواست تا روزی را به نام روز جهانی صلح تجلیل کنند و همزمان با آن در بوسنی هرز گوین از ۸۰۰۰ شهید تصفیه های مذهبی در سرنیتسا (که به غلط به جای پاک سازی مذهبی پاک سازی نژادی اش می خوانند) مراسم یادبود برپا شد. این ۸۰۰۰ مسلمان در سال ۱۹۹۵ توسط سربها از خانه های شان بیرون کشیده شدند و قتل عام گردیدند.

امروز نیز وضع فرقی نکرده است. در فلسطین اشغالی تانک های اسرائیلی خانه های فلسطینی ها را ویران می کنند و کودکان آنان را می کشند خواست مشروع اکثریت کشور های جهان را با استفاده از ویتو "حق" مسخره می کنند وبرآن خط بطلان می کشند و... دبیر کل آن سازمان از تجلیل از روز جهانی صلح سخن می گوید.

در اسرائیل سخن از حذف عرفات از صحنهٔ سیاسی و حتی صحنهء زندگی در میان است زیرا او از این که مفکورهء تسلیم را به فلسطینی ها بقبولاند احساس عجز می کند. فلسطینی ها در زیر فشار چکمه های اسرائیلی ها چگونه از این روز تجلیل خواهند کرد؟

ص۶

مقامات آمریکایی با طالبان تماس ...

هنوز از ثمرات محسوس باز سازی در سطح کل کشور خبری نیست. هنوز مفهوم باز سازی و امداد، در هاله یی از نمایش های ظاهری محصور است. هنوز مقصد نهایی وهدف پشت پردهء بیشترین برنامه های گویا اصلاحاتی دولت ارضای تمایلات زیانبار سیاسی است تا منافع عام جامعه.

بازار انجو ها گرم است اما از خزانهء دولت جز بوی فقر به مشام نمی رسد، در حالی که میلیون ها دلار به عنوان امداد وعده سپرده می شود.

مردم حق دارند بپرسند: این همه امداد به کجا می رود؟ وچه زمانی بازسازی به معنای وسیع و دقیق کلمه در کشور آغاز می شود؟ وچه زمانی دولت برای کادر علمی، اداری و دانشی خود سرنوشتی مناسب تر رقم می زند؟

هم اکنون در بیشترین موارد حتا همان معاش بخور ونمیر مامور هم به موقع پرداخته نمی شود!

جریان توزیع مواد، به کوپون داران هم با نهایت پر رویی به خاموشی گرایید و حتا هیچ توضیحی درباب آن به کارمند یا مامور دولت داده نشد. سطح عدم باز پرسی و بی کفایتی تا به آنجا رسیده است که امروز مهمترین موضوع سرنوشت ساز در کشور یعنی تسوید وتدقیق قانون اساسی به عناوین گوناگون از انظار عام مردم پنهان نگاه داشته می شود و هنوز برنامهء روشنی برای انتخابات شورای عالی (لویه جرگه) که مسوولیت اصلاح، تعدیل، تکمیل و تصویب قانون اساسی را بردوش دارد، وجود ندارد و این امر مهم ملی همچنان با سردرگمی و ندانم کاری ها دست و گریبان است.

شعار محض است این که برخی مسوولان خواسته یا نخواسته کلمهء شفافیت را به کار می گیرند یا بهتر است گفته شود این معنای شریف را به نحوی دیگر استخدام می فرمایند!

اما از شفافیت در عمل خبری نیست. مسائل مهم و سرنوشت ساز در کشور در پرده یی از ابهام پنهان است و تشنج و بحران روز تا روز اوج می گیرد.

به مقایسهء یک سالی که گذشت، اوضاع در ولایات جنوبی کشور چنان آشوب خیز و خونین شده می رود که در برخی نقاط این ولایات جنگ برای سرکوب و تعقیب طالبان هفته ها به درازا می کشد. و مسوولان فقط یاد دارند که بگویند: دشمن از آن سوی مرزها آمده بود و دوباره به همان دور وبرها فراری ساخته شد.

اما هیچ طرح وهیچ برنامه یی مدون برای ریشه کن کردن جنگ و ختم منازعه روی دست مسوولان نیست.

از وضعیت نا امن و رو به وخامت می توان نتیجه گرفت که وضعیت در ولایات دور دست کشور به طور اخص در نزدیکی های مرز با پاکستان چگونه است.

با توجه به همهء این مسائل و در رأس با توجه به بی کفایتی مزمن و خطرناک در کادر رهبری دستگاه دولت پر واضح است که آمریکایی ها باید بر ضرورت تماس با طالبان اندیشه کنند و از طریق دهلیز های پنهانی طرح ها وبرنامه های دیگرمورد توجه قرارگیرد.

ولی با وجود این جان موضوع در این نکتهء با اهمیت نهفته است که آیا آمریکایی ها در افغانستان خود دارای برنامه یی شفاف و قانونمند هستند، یا آن چه به نظر می آید یا بر زبان ها رانده می شود، فقط ظاهر امر است؟!

سرنوشت جامعهٔ مدنی در افغانستان ۱

عبدالعلی کوهی استاد فاکولته ادبیات

در طی همین سال های حکومت مؤقت وانتقالی در افغانستان اصلاحات، دموکراسی، آزادی بیان، تجدد، باز سازی، نوسازی، حقوق بشر، حقوق زن ودر پهلوی این اصطلاحات، جامعهٔ مدنی بیشتر معمول شده است.

به طور مشخص در مورد جامعهٔ مدنی باید گفت که وقتی افراد دور از خشونت وکشمکش های اتنیکی وتباری زندگی کنند وفرهنگ توافق وسازش را در میان خود گسترش دهند، در حقیقت به مفاد جامعهٔ مدنی نزدیک شده اند.

در جامعهٔ مدنی افراد در پهلوی علایق شخصی به رفاه اجتماعی به طور رضاکارانه دست می یازند، درحقیقت جامعهٔ مدنی همان آگاهی سیاسی افراد از امور سیاسی، اجتماعی وحس مسؤولیت در برابر مسائل وقضایای مشترک اجتماعی است. جامعهٔ مدنی در پهلوی دولت رشد می نماید. اما موجودیت آن تابع دولت نیست، ولی مطالعهٔ آن بدون موجودیت دولت کاری است دشوار، اما در کشور ما افغانستان یک نوع جامعهٔ مدنی سنتی محافظه کار وجود داشته است. قبل از آن که حاکمیت دولتی در جغرافیای ما حاکم گردد این جامعه وجود داشته است، مانند: شوراهای محلی، لویه جرگه ها، آرای محاسن سفیدان وغیره که به پاره یی از اختلافات پایان می دادند وهدف آن رفاه اجتماعی بوده است. از آنجایی که از نظر ارسطو انسان یک موجود سیاسی است. یعنی همواره تاریخ جامعهٔ ما را فراگرفته است، طوری که در تداوم تاریخ مناقشات فرد ودولت وجود داشته است، حتی در کشور خودمان ودر زمانه های نزدیک که همهٔ ما آن را لمس نموده ایم که چگونه دولت باافراد به طور خشونت آمیز رفتار نموده است.

اما نهادهای جامعهٔ مدنی در غرب در نیمه های دوم قرن هجده ایجاد می شود که نمونه های آن را در تأسیس پارلمان، انتخابات وتشکیل احزاب دیده می توانیم.

اما در تمدن اسلام جامعهٔ مدنی تاریخ طولانی تر از سایر ادیان ومذاهب دارد. اصطلاح دارالاسلام همردیف باجامعهٔ مدنی است. این اصطلاح یک طبقه از اجتماع را در امور سیاسی جامعه معین می کند وبه حقوق این طبقه اشاره دارد.

اولین حکومت منتخب مسلمانها در سال ۱۱هـ در سقیفهٔ بنی ساعده به وجود می آید، طوری که خلیفه در خطبهٔ خود چنین می گوید: "ضعیف ترین شما نزد من قوی ترین شماست وقوی ترین شما نزد من ضعیف ترین شماست، ای مردم من برشما والی وخلیفه مقرر شدم، اما بهترین شما نیستم، اگر نیکی کردم یاری ام دهید واگر بدی کردم براه راست رهنمایی ام کنید". ارزش حکومت ابوبکر صدیق "رض" در انتخابی بودن آن است پیامبر اکرم "ص" توانست نقش مردم را در حاکمیت بعد از رحلتش تثبیت نماید، یعنی حاکمیت را به اهل زمین بازگردانید، در این خطابه نقاط باارزشی وجود دارد که آن نقش مردم در اداره وسرنوشت خویش است وانسان به مثابهٔ موجود سیاسی عرض وجود می کند وحدود مسؤولیت مردم ودولت تعیین می شود، همین گونه اعتراضی از طرف مردم در مورد حضرت عمر فاروق "رض" صورت می گیرد وعمر به آنها پاسخ می دهد. وقتی مردم متوجه می شوند که عمر "رض" از پارچه یی بیشتر نسبت به سهم آنها استفاده کرده است. وعمر پاسخ می دهد که از سهم عبدالله فرزندش نیز استفاده نموده است.

این نمونه های مستقیم جامعهٔ مدنی، در دولت های آغازین اسلام می باشد که حاکمیت سیاسی اسلام برمبنای مردمی ومردمداری استوار است واز جبر مبراست. باید بپذیریم که در جامعهٔ اسلامی امروز، این امر کمتر انعکاس داشته است. صدام حسین در زمان قدرت خود از پشت میله های تانک بامردم صحبت می کرد، در سوریه در روزگار صدارت اسد آهن وفولاد برسرنوشت انسانها فرمان می راند. امروز حال بسیاری از کشورهای اسلامی بهتر از اینهانیست.

اما حرف نخستین این است که باید از عمل مسلمان واز عمل یک دولتی که بخاطر فریب ونیرنگ خود را اسلامی می خواند ودست چنگیز را از پشت می بندد به اسلام خرده گرفت. در اسلام قدرت وحاکمیت برپایهٔ عدالت مشروعیت می یابد، یعنی دولت های اسلامی در قدم نخست باید برعدالت استوار باشند. جامعهٔ مدنی در حقیقت صدای اعتراض مردم در برابر حاکمیت است، و در موارد مختلف در افغانستان دوموضوع مطرح است که یکی آن جامعهٔ مدنی سنتی است که در افغانستان سابقهٔ طولانی داشته وتأثیرات آن نسبت به جامعهٔ مدرن در کل جامعهٔ افغانی شعاع وجودی بیشتر داشته است. جامعهٔ مدنی سنتی به شکل نورم ها وساختارهای اجتماعی در روستاها وشهر های افغانستان از قرنها بدین سو وجود داشته و دارد. اما اساس جامعه مدنی مدرن را می توان در سپیده دم قرن بیستم باتجلی جریان مشروطیت ونشریهٔ سراج الاخبار به بررسی گرفت.

> **جامعهٔ مدنی سنتی است که در افغانستان سابقهٔ طولانی داشته وتأثیرات آن نسبت به جامعهٔ مدرن در کل جامعهٔ افغانی شعاع وجودی بیشتر داشته است. جامعهٔ مدنی سنتی به شکل نورم ها وساختارهای اجتماعی در روستاها وشهر های افغانستان از قرنها بدین سو وجود داشته و دارد. اما اساس جامعه مدنی مدرن را می توان در سپیده دم قرن بیستم باتجلی جریان مشروطیت ونشریهٔ سراج الاخبار به بررسی گرفت.**

در مرام مشروطیت دوم افزون بر استقلال سیاسی افغانستان ،انتقال شاهی مشروطه از طریق اعطای نقش وسیع تر برای مردم در زندگی سیاسی کشور نشر تمدن وپیشرفت های اقتصادی وفرهنگی واجتماعی تسجیل شده است.

اما نقطه های آغازین جامعهٔ مدنی در افغانستان همزمان بارشد حرکت های اصلاحی درکشورهای اسلامی وشرقی چون ایران وترکیه درنیمهٔ قرن نزده شکل می گیرد. ریفورم واصلاحات اجتماعی در نیمهٔ قرن نزده پاره یی از کشورهای شرقی را فرا گرفت وافغانستان از آن بی تأثیر نماند. جریان اصلاحات در افغانستان درنیمهٔ دوم قرن نزده آغاز یافت. سیدجمال الدین افغانی در سال ۱۸۵۷م [illegible] هردو پادشاه اندیشه های وی را یانخواستند عملی کنند ویا آن را درک نتوانستند، سید به ناگزیری کشور را ترک گفت واندیشه های موصوف در دیگر کشورهای شرقی واسلامی تاجایی به ثمر نشست، طوری که می بینیم زمینه های حرکات بزرگ اصلاحی را در این کشورها به وجود آورد. به حوالهٔ تاریخ نگاران اولین لویه جرگه را شیرعلی خان به وجود آورد که در این گردهمایی ۲۰۰۰نفر از طوائف واقوام مختلف افغانستان جمع گردیدند که اهداف آن را حل منازعات خانوادگی وبرخی از مسائل دیگر تشکیل می داد. بعداً دیده می شود که این لویه جرگه ها سراسر تاریخ معاصر افغانستان را احتوا می کند. اما در ماهیت، این لویه جرگه ها باید گفت که آن ها به یک حاکمیت دعوت می نمودند و برای این حاکمیت مشروعیت می بخشیدند و فیصله یی انجام نمی دادند که بر خلاف رأی زمامدار و حاکم وقت بوده باشد.

افزون بر آن امیر شیر علی خان را مؤسس مدنیت و تحولات صنعتی جدید در کشور می خوانند. برای نخستین بار امیر شیر علی خان مطبعهٔ سنگی را از هند به کشور آورد. دو مطبعه به نام های شمس النهار و مصطفاوی به فعالیت آغاز کردند. نشریهٔ شمس النهار در سال ۱۸۷۵م در ۱۶ صفحه به نشرات آغاز کرد

در این نشریه مقالات اجتماعی، خبرهای داخلی و خارجی به نشر می رسید و در جهت تنویر اذهان عامه نقش مهم ایفا می نمود.

اما جامعهٔ مدنی مدرن در افغانستان نسبت به هر کشور دیگر سیر بسیار بطی داشته است.

یکی از ویژگی های کشور ما در گذشته ها این است که همواره شخصیت های ملی، سیاسی و چیز فهم مورد هجوم قرار گفته اند، بعد از آن که امان الله خان به هر دلیلی که بود کشور را ترک نمود. حکومت های جانشین وی عده یی از مشروطه خواهان سرشناس را یا اعدام نمودند، یا تبعید ویا به زنداهان ها تحویل دادند. و در فرجام جلو جریان ریفورم واصلاحات گرفته شد. در حالی که بی طرفی افغانستان در جنگ جهانی دوم زمینه های خوبی بود برای رشد نهاد های مدنی. طوری که در حکومت شاه محمود خان طی سال های (۱۹۶۹-۱۹۶۸م) واژه های دموکراسی، تجدد و آزادی به کار می رفت، تحصیل کرده ها به کابینه راه یافتند، مطبوعات قشر شهری را مورد خطاب قرار می داد، [illegible]

> **در حالی که بی طرفی افغانستان در جنگ جهانی دوم زمینه های خوبی بود برای رشد نهاد های مدنی. طوری که در حکومت شاه محمود خان طی سال های (۱۹۶۹-۱۹۶۸م) واژه های دموکراسی، تجدد و آزادی به کار می رفت.**

انتخابات در بلدیه ظاهراً بدون مداخلهٔ دولت انجام پذیرفت. اتحادیهٔ محصلان پوهنتون کابل به وجود آمد. مؤسسهٔ نسوان تأسیس و مجلهٔ میرمن به نشرات آغاز کرد که همه در جهت ایجاد نهاد های مدنی قابل یاد کردن است. اما در طی سال های (۱۳۵۶-۱۳۴۲) با انفاذ قانون احزاب، احزاب مختلف سیاسی با اهداف و برنامه های مختلف به فعالیت آغاز کردند. مظاهرات خیابانی شدت بیشتر کسب نمود، کودتای محمد داود فصلی نوین را در تاریخ کشور ما رقم زد، طوری که به جریان انتخابات پارلمان خاتمه داد و احزاب سیاسی از مانور های سیاسی خویش باز ماندند.

اما این رژیم تازه بنیاد بر همه نهادها و انجمن ها تسلط کامل داشت و اگر نهادی اجتماعی در این وقت وجود داشت به بخشی از نظام سیاسی حاکم مبدل گردید. همه ساختار های ایجاد شده در این رژیم استقلال مطلوب خود را نداشتند. بلکه غالباً به گونهٔ وسیله یی سیاسی از طرف دولت مورد استفاده قرار می گرفتند دورهٔ چهار سالهٔ حکومت محمد داود بد ترین دوره در جهت گسترش نهاد های مدنی محسوب می شود. رژیم از حزب وسازمانی حمایت می نمود که از حاکمیت دولت دفاع می نمود. همان بود که دولت دست به تشکیل حزب غورزنگ ملی زد که اعضای ارشد آن را اعضای کابینه و نزدیکان سردار تشکیل می داد. وقتی احزاب سیاسی که تمام راه ها را به روی خود بسته دیدند و از جانب دیگر نمی توانستند در جهت همکاری با نظام بر آیند، دست به مانورهای سیاسی در پنجشیر وبدخشان زدند و رژیم مسلط با تمام قوت این حرکات را سرکوب نمود. این نظام به کمک دستگاه جهنمی استخبارات وحزب غورزنگ ملی تمام صداهای مخالف را سرکوب نمود و هیچ اعتراضی را در قلمرو خویش تحمل نمی توانست دولت از شیوهٔ حکومت حزب کمونیست اتحاد شوروی وقت استفاده می نمود ومخالفان را به اسرع وقت سرکوب می نمود. تا این که رژیم در انزوا قرار گرفت و خواست تا استراتژی کلان تری را در منطقه به وجود بیاورد. روی این اساس او ایدیولوژی ملی را مطرح کرد. در بیانیه یی که در هرات ایراد کرد اشک ریخت و به دین اسلام تمسک جست و مارکسیست ها را خارج از حوزهٔ دین و اسلام قلمداد نمود و این وقتی بود که دیگر در استراتژی جهانی هیچکس به او اعتماد نکرد تا این که در گرداب فرو رفت و در جایی که برای دیگران ساخته بود خود قرار گرفت. اتحاد شوروی وقت به دنبال مهره یی جدید بر آمد و کودتای خونین و جهنمی ۱۳۵۷ به وقوع پیوست که به همه نهادهای مدنی ، رشد فکری وتفکر عقلانی پایان داد. و آنچه راکه دیگران ساخته بودند یک شبه ویران کرد. و راه صد ساله را در ویرانی در یک شب به پایان رساند. تراژدی ۱۳۵۷ نه تنها دنیای اسلام بلکه بشریت را در تمام کرهٔ زمین تکان داد. و جامعهٔ جهانی متوجه افغانستان گردید. تا این که جهاد [illegible]

زموږ قوت . . .

زموږ د مادي او معنوي سرلوړي او وياړ سبب دي وياړو.

همدا رنګه بله مهمه سپارښتنه چي د محترم استاد دتيري جمعي دلمانځه په وينا کي خلکوته وشوه هغه دټولو ورونو هيوادوالو تر منځ له هر ډول نژادي، ژبني، قومي او سمتي لوړتيا غوښتنو پرته دخلکو ترمنځ ديوالي او اتحاد سپارښتنه ده او هغه څوك چي په رښتيني توګه دهيواد جوړيدل، لوړتيا او عزت غواړي هغه له ټولو لومړي په خلکو کي دملي وحدت، ګډي ورورۍ، نيك تفاهم او ورسره يوځاي يو دبل په وړاندي له ګناهونو څخه تيريدل يو بل ته له ګذشت، زغم او حوصلي څخه کار اخيستل غواړي که چيرته په خلکو کي دغه راز لوړ احساس په واقعي توګه ژوندي شي نو په دي کي شك نشته چي نوري ټولي ملي او نړيوالي ستونزي پخپله حل کيږي.

لوي احمد شاه بابا هم په خپل يو شعر کي په روانه اوسليسه ژبه دخلکو يووالي او دهغوي ترمنځ نيك نيتي او پاك زړه ته اشاره کړي او ويلي يي دي:

<u>ټوله يودي که غلجي دي که اودال</u>
<u>په هغه چي يي دزړه شيشه صفا ده</u>

نو هيله من يوو چي ټول افغانان يواځي دافغانيت او دخپل تاريخي، مذهبي او فرهنګي خصوصيت او هويت په نظر کي درلودلو سره دافغانستان داسلامي جمعيت دلوي مشر محترم استاد رباني سپارښتنه او توصيه بابس ونه بولي او هڅه وکړي چي ددغه راز ملي -مذهبي مشرانو دسپارښتنو په رڼا کي خپله ورکه شوي لار په خانخاني او خود خواهي کي نه بلکي په ملي يووالي، ورورۍ ګډ تفاهم او روغ نيتي کي ووينی، داده دګران هيواد دلوړتيا او پرمختګ لار او داده زموږ دملي تاريخ او [illegible]

واصف باختری

ای زهره میترسم!

ای زهره دیگر
تا بشکند چنگ کهن، آهنگ خود را بر زمین افگن
باید که جان خویشتن را پاس داری
ترسم که آیین زمین در آسمانها نیز
فرمانروا گردد
ای زهره، ای همسایهء نزدیک یا دور!
در گوشه یی از یاد رفته
زین سهمگین سیارهء ما
در سرزمینی نام آن همزاد شلاق و شبیخون
دیوان آنسوی قرون، دیوان اسطوره
ساطور در دست
هر روز و هر شب
جام گوش کوچه های شهر را
از شوکران بانگ ناهنجار خود
لبریز میسازند:
هر تار را کز آن نوایی میتراود
باید گسستن
هرنای را کز آن صدایی خوش برون آید
باید بریدن
هر پرده را کز آن دلی را شاد بتوان ساخت
باید دریدن
ای زهره، میترسم که آیین زمین در آسمانها نیز
فرمانروا گردد
باید که جان خویشتن را پاس داری
کامشب
حتا سپهر از ماه نو ساطور در دست است!

حکایت

سعدی

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود، و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.

هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد
گو در ایام سلامت بجوانمردی کوش
بندهٔ حلقه بگوش ار ننوازی برود
لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه بگوش

باری به مجلس او در کتاب شاهنامه همی خواندند در زوال مملکت ضحاک و عهد فریدون وزیر ملک را پرسید هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت چگونه برو مملکت مقرر شد گفت آنچنان که شنیدی خلقی برو بتعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت گفت ای ملک چو گرد آمدن خلقی موجب پادشاهی است تو مر خلق را پریشان برای چه می کنی مگر سر پادشاهی کردن نداری.

همان به که لشکر بجان پروری
که سلطان به لشکر کند سروری

ملک گفت موجب گرد آمدن سپاه و رعیت چه باشد گفت پادشه را کرم باید تا برو گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند و ترا این هردو نیست

نکند جور پیشه سلطانی
که نیاید زگرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افکند
پای دیوار ملک خویش بکند

ملک را پند وزیر ناصح موافق طبع مخالف نیامد روی ازین سخن در هم کشید و بزندانش فرستاد بسی برنیامد که بنی عم سلطان بمنازعت خاستند و ملک پدر خواستند قومی که از دست تطاول او بجان آمده بودند و پریشان شده برایشان گرد آمدند و تقویت کردند تا ملک از تصرف این بدر رفت و بر آنان مقرر شد.

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیر دست
دوستدارش روز سختی دشمن زور آورست
با رعیت صلح کن وزجنگ خصم ایمن نشین
زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکرست

دامن دوشیزهٔ دریاچه

سمیع حامد

بال زد سیمرغ وبعد از چرخشی دژکاک شد
کاوه یی قامت کشید وناگهان ضحاک شد
آن گل زرین که خواهر خواندهٔ خورشید بود
دست تابردیم سویش خارگشت وخاک شد
ریشهٔ آبی که دست دیگران را باغ کرد
برسر گلبیشهٔ امید ماکولاک شد
در زمین خشک هستی، هستهٔ خونین دل
پایتخت گردش وارونهٔ افلاک شد
آسمان از بس محیط ابرهای هرزه گشت
دامن دوشیزهٔ دریاچه هم ناپاک شد
در چکاچاک دریغ ودرد صد بار دگر
سینهٔ سهراب باچنگال رستم چاک شد

شب

لیلا صراحت روشنی

زشام شهر تباهم ستاره دزدیدند
ستاره های مرا آشکاره دزدیدند
چو فوج فوج ملخ را به باغ ره دادند
کلید باغ به دست شب سیه دادند
شبی که برکهٔ ماهش به تشنه گی پیوست
شبی که روزنه های ستاره اش رابست
شبی که شعله اش ار بود، برق خنجر بود
شبی که جام سکوتش شکسته باور بود
شبی که خیل ملخ راه بربهار زدند
پرنده را به درختان خسته دار زدند
وسبزه ها زسموم سیاش پژمردند
ونغمه ها به گلوی پرنده ها مردند
شبی که گرسحرش بود سخت خونین بود
جبین باور خورشید تلخ وپرچین بود
فلق به شهرمن آتش به دوش رخ بنمود
که شعله هاش درختان سبز شهرم بود

●●●

چه دزدها که دلیرانه وچراغ به کف
سوار اسب جنون وکلید باغ به کف
زشام شهر تباهم ستاره دزدیدند
تبسم سحرش آشکاره دزدیدند

پیژندنه

وفادار

که پیژندنه زماغواړي په عمل اوقدم
یم دوطن دسوکالي دپاکي لاري په غم
دمظلومانو په حالت مي چي ژړلي مدام
پکار مي ندي سره لاسونه معشوقه او صنم
ماته قیصهِ دخوار ملت ته دراتلونکي کوه
کله به خلاص شي خوار فقیر د دغه ظلم وستم
زه هغه پیژنم چي ماته په میراث پاتي دي
دتوري شرنګ دغیرت زنګ مي شعار کړي هردم
چي مي دواشي د دردو دخوار ملت په ربنتیا
ورسره ځم په غرو رغوپه نیمو شپو صبح دم
چي پري تازه شي داګلزار مي چي خزان وهلي
په تمنا د داسي باد دسهاري اوشبنم
په ګران وطن کښي د وروري او ترقي په هیله
خیردي ستړیا او تکلفونه یوځه نورهم منم

دسمرقند او بخارا ببښنه

کله چي امیر تیمور دفارس ښار ونیوه او شاه منصوریي ګرفتار کړ ویي واژه نو خواجه حافظ چي په فقر کې یي ژوند تیراوه خپل حضور ته راوغوښت.
سید ذین العابدین چي دخواجه حافظ له مخلصانو او دشاه منصور درباري و پادشاه ته یي دخواجه معرفت وکړ امیر چي درباضت ښښي یي دده په تندي کې ولیدي نو سمدستي یي ورته وویل اي خواجه حافظه:
ما دتوري په زور ټوله دنیا خرابه کړه خو سمر قند او بخارا معمور کړم او تا پخپل یو بیت کې داسي ویلي چي دیاریوخال په ثمرقند او بخارا نه ورکوي او دواړه ښارونه ترینه په قیمت ارزان بولي او دیو شین خال په بدل یي ببښي څه وجه ده.
حافظ وویل دغه ببښني دي چي دغسي فقیر یم.

بدخلقي

یو عابد پادشاه ته عرضي شو دپادشاه طبیعت هغه وخت خراب و ستوغ ځواب یي ورکړ. عابد ورته وویل: اي ټولواکه پردي نه یي خبر چي "الله" جل جلاله تا ته هغه څه ورکړیدي چي خپل محبوب پیغمبر حضرت محمد صلي الله علیه وسلم ته ئي نه دي ورکړي پادشاه نور هم په غوسه شو وي ویل څنګه ممکنه ده چي زه داسي څه ولرم چي رسول الله صلي الله علیه وسلم ته ندي ورکړل شوي؟ داڅه وایي؟
عابد وویل خلاف مي ندي ویلي هغه څه چي ته یي پري معمور کړي یي (بد خُلقي) ده چي هغه مبارك ته نه وه ورکړل شوي. پادشاه خجالت شو او عرض یي قبول کړ.

۶ جوزا یا ۲۸ اسد

کدام یک روز استرداد استقلال کشور ما ست؟

۲

رهنورد زریاب

هنگامی که پس از کودتای روز بیست وششم ماه سرطان سال ۱۳۵۲، دولتمردان افغانستان، سالگرد آزادی کشور را، از روزششم ماه جوزا، به روز بیست وهشتم ماه اسد انتقال دادند، در آن زمان، در باب حکمت بالغهٔ این کار بزرگ شان چیز زیادی نگفتند. واگر گفتند، بنده چندان متوجه آن گفته ها نشدم ودرنتیجه، سخت غافل ماندم وبسی جاهل. واما، روشن است که این غفلت وجهل بنده، هیچ گونه اثری براصل ماجرا نداشت. یعنی روز بیست وهشتم ماه اسد، بازهم، به مثابهٔ روز آزادی کشور به رسمیت شناخته می شد وآن روز را تجلیل می کردند وارج می گذاشتند.(۱۰)

واین- در واقع- پس از "انقلاب ظفر نمون" ماه ثور سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی بود که شماری از رویدادها وآدم ها وقضایا، از گاوصندوقی که رنگ ونشان "تابو" را داشت، بیرون کشیده شدند ومردمان مرز وبوم مان- به ویژه آموزش دیده گان- توانستند در بارهٔ این رویدادها وقضایا وآدم ها، آزادانه سخن گویند و خامه پردازی کنند واما، بیدرنگ باید افزود که- سوگمندانه- در این دوره هم دیدیم که برپشت وروی شمار دیگری از رویدادها وآدم ها وقضایا، مهر"تابو" زده شد واین رویدادها وقضایا وآدم ها را، در همان گاوصندوق معروف یاد شده گذاشتند وسرش را بستند وقفلی سخت محکم واستوار برآن نهادند تاکسی در باب آن ها سخنی برزبان نیاورد ونکته یی برکاغذی ننویسد. ومعنای این سخن بنده آن است که ماهیچ وقت از شرچنین "تابو" های رنج آور، تاریکی فزا ودست وپاگیر فارغ و در امان نبوده ایم.

وبازهم، اندرهمین زمان بود که کتاب مستطاب حضرت میرغلام محمد غبار، که بی هیچ جرم وگناهی، درکنج فراموشخانه یی افتاده بود وخاک می خورد، از پس نزدیک به ده سال، به بیرون کشیده شد و در دسترس خواننده گان ودلبسته گان تاریخ کشور قرار گرفت ونیز در میان مآخذ ومنابع برگزیده وارجمند تاریخ سرزمین مان، برای خودش جایی شایسته ودر خور یافت. وبازهم، در همین دوره بود که کتاب ورجاوند"جنبش مشروطیت در افغانستان"، تألیف استاد عبدالحی حبیبی، آذین چاپ یافت و به بازار برآمد. این کتاب- مانند هر کتاب اثر گذار واندیشه برانگیز دیگر- پرسش هایی را پاسخ گفت وپرسش های دیگری را به میان آورد.

در همین برههٔ زمان- که بنده کمی بیشتر عاقل شده بودم- بارئ، این سودا در سرم پیدا شد تا دریابم که در این روز فرخندهٔ بیست وهشتم ماه اسد، چه رویداد سترگ وفرخنده یی رخ نموده است که ارزش واعتبار این روز را، این چنین بلند برده وآزادی سرزمین ما را، به این روز پیوند زده است.

پس- بیدرنگ- به گرامی کتاب"افغانستان در مسیر تاریخ" روی آوردم تاسیدنا، غبار(۱۱)، گره از کارم بگشاید ومشکلم را آسان سازد. اما، بادریغ ودرد بسیار باید گفت که هر چه لابه لای این دفتر پرغنا را جستجوکردم، چیزی در باب این روز بیست وهشم ماه اسد، نیافتم. یعنی، غبار در این باره چیزی نگفته بود و- ظاهراً- این روز را نادیده گرفته بود.

آن وقت، ناگزیر شدم به سوی برخی از کتاب ها وکتابواره های دیگری که در اختیار داشتم، روی آورم ودست نیاز دراز کنم وگشایش مشکل خودم را از آنها طلب نمایم؛ ولی، بازهم، پاسخ بسنده وشایسته یی که تاریکی ها را روشن سازد وسرکلاوه را به دستم دهد، به چنگم نیامد. لاجرم، این نکتهٔ مبهم وپیچیده را، بابرخی از دوستان صاحب نظر وصایب نظر، درمیان گذاشتم واز ایشان روشنایی وپایمردی خواستم. این کار نیز گشایش وفرَج چندانی در کارم پدید نیاورد واین معمای"روز بیست وهشتم ماه اسد" همچنان مبهم وپیچیده وتاریک وحل ناشده برتاق ذهنم باقی ماند(۱۲).

روز بیست وهشتم ماه اسد، همان روزی است که شاه امان الله، برعهدنامه یی که در"راول پندی" امضاء شده بود، مهر تأیید وتصدیق گذاشته وجشن آزادی کشور را اعلام داشته بود.

در آغاز ماه اسد همین امسال(یعنی سال ۱۳۷۹هجری خورشیدی)، هنگامی که شنیدم هموطنان مان، در این گوشه وآن گوشهٔ جهان، برای تجلیل وبزرگداشت روز آزادی کشور- روز بیست وهشتم ماه اسد- آماده گی می گیرند، یک بار دیگر، این پرسش کهنه وخوابیده بیدار شد وسربرداشت وترکتازی آغاز کرد: "آخر، در این روز بیست وهشتم ماه اسد چه حادثه یی اتفاق افتاده است؟"

چاره یی نبود وناگزیر- بازهم- این پرسش را باشماری از فرهنگیان وبخردان درمیان گذاشتم وبرای گشایش این مشکل طلب یاری کردم. در نتیجه، شماری از این فرهنگیان وبخردان، خیلی ساده وبسیار زود، گفتند یانوشتند:"ای بی خبر از دنیا واز تاریخ، نمی دانی که در این روز عهدنامهٔ"راول پندی" بین علی احمد خان، ناظم امور داخلهٔ افغانستان، وسرهملتن گرانت، دبیر امورخارجی دولت هند بریتانیایی، به امضاء رسیده است؟" ومن، در این پاسخ های شتابزدهٔ آنان، همان معنای"نگه کردن عاقل اندر سفیه" را نیز، خوب احساس کردم. واما، هنگامی که در پاسخ شان می گفتم یا می نوشتم:"آخر، این عهد نامه یی که شما می گویید، به روزهشتم ماه اگست سال ۱۹۱۹میلادی امضاء شده است که برابر می شود باروزهفدهم ماه اسد سال ۱۲۹۷هجری خورشیدی. پس، بازهم، این روزبیست وهشتم ماه اسد در این میان چه کاره است؟" آن گاه، این دوستان خبره وفرزانه، دو دل ومتردد می شدند ومقداری هم شگفتی وحیرت نشان می دادند(۱۳).

بدین صورت، روزها وهفته ها گذشتند تا این که از دوست فرهیخته وگرامیم- نصیر مهرین- نامه یی گرفتم. ایشان در این نامه، بارویکرد به کتاب"دافغانستان تاریخی پیشلیک"، تألیف شادروان استاد عبدالحی حبیبی، پاسخی استوار وروشنگر به پرسشم داده بودند. برنبیاد نامهٔ مهرین، استاد حبیبی در صفحهٔ ۲۳۳کتاب یاد شده نگاشته اند:"دافغانستان او انگلیس روغ لیک چې په راول پندی کی امضاء سوی و، په ۱۸ اسد ۱۲۹۸ ش... د افغانستان پاچا، اعلیحضرت امان الله خان، تصدیق کئی او داستقلال اعلان اولمړي جشن وسو."

پس مسأله بسیار ساده بوده است. یعنی، روز بیست وهشتم ماه اسد، همان روزی است که شاه امان الله، برعهدنامه یی که در"راول پندی" امضاء شده بود، مهر تأیید وتصدیق گذاشته وجشن آزادی کشور را اعلام داشته بود. باید از شاد روان استاد حبیبی بیشتر از پیش سپاسگزار باشم واز مهرین عزیز نیز فراوان شاکر وممنون(۱۴).

بدین صورت، می شود گفت عهدنامه یی که به روزهفدهم ماه اسد سال ۱۲۹۸هجری خورشیدی در"راول پندی"، بین علی احمد خان وسرهملتن گرانت، به امضاء رسیده بود، یازده روز دیگر را در برگرفت تا به کابل رسید ومهر وامضای شاه امان الله را دریافت کرد. این تفاوت یازده روزه از همین جاپدید آمده است وآن گونه که آن"هموطن عزیز ما از اروپا" پنداشته بود،"غاصبین کمونیست" در آن هیچ نقشی نداشتند.

حالا ببینیم که آیا عهدنامهٔ"راول پندی" به راستی هم شناخت آزادی افغانستان را در برداشت؟ متن کامل این عهدنامه را غبار وآدمک، هردو، آورده اند(۱۵). در متن این عهدنامه که پنج ماده را در برمی گیرد، هیچ اشاره یی هم به آزادی افغانستان نشده است. این نکته را تکرار می کنم که در متن این عهدنامه هیچ اشاره یی هم به آزادی افغانستان نشده است. برعکس - برنبیاد این عهدنامه- افغانستان امتیازاتی را- از جمله، حق وارد کردن جنگ افزار ومهمات را از راه هندوستان- از دست می دهد.

بنابرگفتهٔ غبار(۱۶) هرچند در گفتگوهای"راول پندی"، آزادی افغانستان شرط اول هرگونه مصالحه بود، ولی علی احمد خان- معلوم نیست چرا- چنان عهدنامه یی را امضاء کرد که در متن آن اشاره یی هم به آزادی کشور مانشده بود.

به نظر می رسد که علی احمد خان، پس از امضای عهدنامه- ناگهان- متوجه نبود اصل آزادی افغانستان در متن این عهدنامه شده و دریافته است که عهدنامه دربارهٔ آزادی کامل داخلی وخارجی کشور هیچ چیزی نمی گوید. از همین رو- ظاهراً- باردیگر، باسرهملتن گرانت به گفتگو می پردازد واز نبود اصل آزادی افغانستان در عهدنامه سخن می آورد. درنتیجه، گرانت یادداشتی به او می فرستد که در آن آمده است:

"بعد از ادای احترام: شما از من اطمینان بیشتری خواستید که معاهدهٔ صلح که حالا حکومت برتانیه تقدیم نموده در بارهٔ آزادی مکمل داخلی وخارجی افغانستان، سخن درمیان نمی گذارد.

"دوستم، اگر شما معاهده را به دقت مطالعه کنید، خواهید یافت که در آن جاهیچ گونه مداخله در مورد آزادی واستقلال افغانستان وجود ندارد. شما به من گفتید که حکومت افغانستان آماده نیست معاهده یی را که امیر فقید(حبیب الله خان) نموده بود که آن عبارت از پیروی روابط خارجی افغانستان مطابق توصیهٔ برتانیه باشد، تجدید نماید. من روی این موضوع اصرار وابرام ننمودم وهیچ تذکر از آن معاهده ندادم. پس معاهدهٔ مذکور(یعنی معاهدهٔ راول پندی) واین نامه، افغانستان را به صورت رسمی، در امور داخلی وخارجی، آزاد ومستقل گذاشته است.

برعلاوه، این جنگ(یعنی جنگ سوم افغان وانگلیس) تمام معاهدات گذشته را از بین برده است."(۱۷)

این یادداشت که تاریخ هشتم اگست، یعنی تاریخ همان روز امضای عهدنامهٔ"راول پندی" رادارد، ماهرانه نگاشته شده است وبه جای آن که بگوید"این یاد داشت جزوی از عهدنامهٔ راول پندی است" باآوردن"معاهدهٔ مذکور" و"این نامه" میان عهدنامهٔ"راول پندی" واین یادداشت، یک خط فاصل می اندازد که بیانگر گونه یی از تزویر ونیرنگ وعدم صداقت می تواند بود.

این یادداشت که تاریخ هشتم اگست، یعنی تاریخ همان روز امضای عهدنامهٔ"راول پندی" رادارد، ماهرانه نگاشته شده است وبه جای آن که بگوید"این یاد داشت جزوی از عهدنامهٔ راول پندی است" باآوردن"معاهدهٔ مذکور" و"این نامه" میان عهدنامهٔ"راول پندی" واین یادداشت، یک خط فاصل می اندازد

رویدادهای آینده نیز نشان دادند که دولت بریتانیا، با امضای عهدنامهٔ"راول پندی"، آزادی افغانستان را به رسمیت نشناخته بود. از جمله:

الف: در گفتگو های"منصوری" در سال ۱۹۲۰، که در حدود چار ماه به درازا کشید، بنابرگفتهٔ غبار(۱۸) اساس مذاکرات هیئت افغانی، شناختن وتصدیق آزادی افغانستان، از سوی دولت بریتانیا بود. و در خلال همین گفتگو ها بود که نماینده گان بریتانیا دریافتند که شاه امان الله، از خواست اصلی خودش که آزادی کامل افغانستان بود، دست برنمی دارد (۱۹).

از گفته های این دو تاریخدان بزرگ کشور- غبار وفرهنگ- این نکته بیخی روشن می شود که انگریزها، باعهدنامهٔ"راول پندی"، آزادی کشور ما را به رسمیت نشناخته بودند وافغانستان نیز این واقعیت را نیک دریافته بود وبدان باور داشت؛ زیرا اساس مذاکرات منصوری را شناختن وتصدیق آزادی افغانستان قرار داده بود. اگر عهدنامهٔ"راول پندی" اصل آزادی افغانستان را در برمی داشت، دیگر مذاکرات"منصوری" وسپس، گفتگو های کابل - در باب آزادی افغانستان- اصلاً بی معنی بودند.

ب: از سوی دیگر، تااین زمان، دولت بریتانیا از نشرمتن نامه یی که در آن از آزادی افغانستان سخن رفته بود، خود داری ورزیده بود وچنان که فرهنگ می گوید(۲۰) در مذاکرات"منصوری"، هیئت افغانی این سؤال را مطرح نمود که چرا انگلیس ها از نشر نامه خود داری می کنند.

ج: پس از امضای عهدنامهٔ"راول پندی" نیز، نماینده گان دولت بریتانیا درپایتخت های اروپایی، در برابر اقدامات وفعالیت های دیپلوماتیک افغانستان، موانع به میان می آوردند واین کشور را جزو منطقهٔ نفوذ خود قلمداد می کردند(۲۱).

د: هنگامی که درماه آگست سال ۱۹۲۱میلادی- دو سال پس از امضای عهدنامهٔ"راول پندی"- هیئت افغانی، به ریاست محمد ولی خان دروازی، به لندن رسید، لارد کرزن- وزیرخارجهٔ بریتانیا- از گفتگو در زمینه های سیاسی بااین هیئت، خود داری کرد وانجام دادن چنین گفتگوهایی را، به گونهٔ اهانت آمیزی، به وزارت امور هندوستان راجع ساخت (۲۲).

روشن است که چنین برخوردی- عملاً- متن نامه یی را که سرهملتن گرانت در"راول پندی" به علی احمد خان داده بود، نفی می کرد.

هـ: در جریان مذاکرات کابل نیز، چنان که فرهنگ می گوید(۲۳)، شاه افغانستان وهمکارانش، دریافتند که انگلیس ها هنوزهم حاضر نیستند که آزادی افغانستان را به رسمیت بشناسند.

نکته های یاد شده در بالا، به گونهٔ روشنی، بیانگر آن هستند که دولت بریتانیا- باعهدنامهٔ"راول پندی"- آزادی افغانستان را نپذیرفته بود. واین واقعیت تلخ، می تواند این پندار ما را که روز بیست وهشم ماه اسد، روز آزادی سرزمین ماست، مشکوک ومردود سازد ونیز، این پرسش را در ذهن مان پدید آورد که پس- مطمئناً- روز و سال آزادی کشورمان کدام است؟

ادامه دارد

قرائت جنبش های اسلامی از دموکراسی

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

قسمت یازدهم

تذکر: در شمارهء پیشین به اشتباه پایان این مطلب اعلام شد. یکی دو بخش دیگر آن را نیز خواهیم داشت. (اداره)

در بحث گذشته بعد از اشاره یی گذرا به اصول اساسی دموکراسی وقواعد کلی نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نظریه پردازان این دو مکتب الهی و بشری وعده سپرده بودیم که با بیانی کوتاه پیرامون حقوق انسان در مکتب دوران ساز اسلام به تشریح بازگویی نقاط تلاقی وتعارض ویا موارد توافق و تفاوت نظام مردم سالاری اسلام و دموکراسی لیبرال می پردازیم که اینک به یاری خداوند به بیان حقوق اساسی انسان پرداخته و بحث را دنبال می کنیم.

لازم به یاد آوری است که همهء آن حقوق اساسی مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و معاهدات حقوق اقتصادی – اجتماعی، سیاسی و حقوق مدنی – سیاسی مورد تأیید اسلام بوده و حتی برخی از این حقوق چون کرامت انسانی، آزادی و مساوات در میان انسان ها با ساختار عقیدتی اسلام گره خورده و اهمیت آن در حدی است که در هماهنگی با اصول عقیدتی و اهداف آن همراه با ساختار قانونگذاری اسلام کسب وجود نموده است. حقوقی از این طراز که انسان به محض هویت انسانی خود از آن برخوردار است از خانوادهٔ ان حقوقی نمی باشد که در اثر تحولات فکری جوامع انسانی رسمیت یافته و یا واکنشی باشد در برابر حوادث بیرونی و تلاش های فکری و سیاسی.

این دسته از حقوق با ریشه های آسمانی و فرا زمینیی که دارند، افزون بر جایگاه خود در ساختار قانونگذاری اسلام، از مکانت ویژه یی در ساختار عقیدتی واخلاقی آن نیز برخوردار بوده و نه تنها در سطح شعار زایش یافته اند بلکه حقوقی اند مطرح در نظام های قانونی تکامل یافته با معیارها و ضوابط آن ها که ذیلاً به آن اشاره می نماییم:(۱)

انسان در پهنهء هستی با امتیاز عقل و اراده، بزرگترین و والاترین آفریده یی است که با نفخهٔ الهی جامهٔ حیات بر تن کرده و مسجود ملائکه گردیده است، افتخار انسان با تاج "کرمنا" نه تنها امری است سلبی با مضمون دور نگه داشتن آن از تعدی هایی که باعث کاهش کرامت او می گردد، بلکه این کرامت امری است ایجابی که رسالت انسان را در زندگی او برای انجام خلافت تعیین می نماید.(۲)

آیه های "ولقد کرمنا بنی آدم..." (۳) و "ونفخت فیه من روحی"(۴) و "انی جاعل فی الارض خلیفه"(۵) همه و همه مهر تأیید بر این کرامت بوده و اهمیت حرمت حیات انسانی در حدی است که کشتن یک انسان، به سان کشتن همه انسان ها تلقی گردیده آن جا که خداوند فرموده است: "هرکس نفسی را بدون حق قصاص ویا بی آن که فتنه و فسادی در زمین بکند، بکشد، چنان باشد که همه مردم را کشته است...".

حق آزادی:

آزادی یکی از واژه های مقدس است که در درازای تاریخ انسانی مورد ستایش همهء مفکران و مکتب ها قرار گرفته و قرآن کریم یکی از فلسفه های بعثت انبیا را آزادی انسان و افراد بشر از زنجیرهای اسارت دانسته و فرموده است: "ویضع عنهم امرهم والاغلال التی کانت علیهم".(۶)

آزادی در غرب و کشورهای غیر اسلامی از چند قرن به این سو برسمیت شناخته شده و بنا به آن چه از نوشتارهای مفکران و فلاسفه در دو قرن گذشته معلوم می گردد، پیدایش این فکر بر می گردد به اواخر سده های میانه.(۷)

قوانین وضعی تلاش به خرج می دهند که مقررات اجتماعی و تقنینی را بدور از دین و اموزه های ان سروسامان دهند، بر بنیاد همچو تفکری آزادی را حقی به حساب گیرند طبیعی که خود بیانگر انکار نقشی برای دین در این عرصه می باشد.

ولی ادیان الهی و اکمل و خاتم آن اسلام، با قرائت دیگری در این زمینه وارد میدان گردیده و انسان را بنده و آفریدهٔ خدا می شناسد و همهٔ این صفات و مزایای او را عطیه هایی می داند که خداوند برایش ارزانی داشته است. بدون شک اثر مرتب بر این اصل آن است که شریعت اساس حق بوده نه آن که حق اساسی باشد برای شریعت.(۸)

حق مساوات:

اصل مساوات و برابری در میان افراد خانوادهٔ بشری، اصلی است مورد پذیرش همهٔ مکاتب و نحله ها در عصر حاضر، و اکنون برخلاف دوران های گذشته، جامعه یی را نمی توان یافت که با اصل مساوات سرناسازگاری داشته باشد.

مساواتی که اسلام به رسمیت می شناسد بر خلاف آن چه نزد یونانیان معروف بود تابع هیچ شرطی نبوده و همه افراد انسانی به یک سنگ وزن می گردند.(۹)

پیش قرآن بنده و مولایکی است
بوریا ومسند ودیبا یکی است(۱۰)

حق همکاری اجتماعی:

یکی از حقوق اساسی انسان در جامعه حق او در تعاون اجتماعی و هکاری توانمندان در زمینه های مختلف برای آن هایی است که نیازمند همکاری و دستگیری اند.

انسان در بینش اسلامی و بنا به وظیفه یی که در عرصهء زندگی به دوش دارد، باید در جامعه زندگی نماید، زیرا انجام مسؤولیت خلافت که خداوند افتخار آن را به او بخشیده است به دور از همکاری دیگران از توان او بالا بوده و به مقتضای طبیعت نمی تواند از عهدهٔ آن به در آید.

این حدیث پیامبر گرامی اسلام خود اصلی است در تأیید همکاری اجتماعی و حق انسان در این زمینه، آن جا که فرموده است: "کسی که زیاد از نیاز خود دارایی دارد، باید در اختیار آن هایی بگذارد که فاقد آنند و کسی که از توانایی و قدرت بیشتر برخوردار است، باید دراختیار آن هایی قرارش دهد که نیازمند آنند...".

اکنون با فراغت از بیان آنچه وعده داده بودیم می خواهیم نگاهی بیندازیم به موارد توافق و تفاوت نظام سیاسی اسلام و **دموکراسی لیبرال غربی:**

همانطوری که در بحث های گذشته یاد اور شدیم، دموکراسی به حیث یک مکتب وفلسفهٔ اجتماعی در گفتمان جنبش های معاصر اسلامی محلی از اعراب نداشته ولی استفاده از راهکارها و وسایل آن –با حفظ حق تعدیل و تحقیق برای خود– در برابر سلطه طلبی خود کامگان، امری است مجاز و پذیرفتنی، استفاده یی که بر بنیاد منطق "آنچه انجام واجبی بدان بستگی دارد، آن هم واجب است" امری است ضروری و واجب.

افزون بر آن چه در بالا یاد آوری کردیم اشاره به این امر را نیز لازم می دانیم که اصول عقلانیت دموکراسی لیبرال با اصول عقلانیت اسلامی متفاوت بوده که اینک به بیان مختصر آن ها می پردازیم:

اصول عقلانیت دموکراسی لیبرال:

۱- اعمال انسان باید به دور از اندیشهء ماورایی توجیه گردد.

۲- انسان در انجام آنچه می خواهد آزاد است که به "اصل تسامح مطلق" شهرت یافته است.

۳- این آزادی مطلق را به خاطر پیامدهای غیر قابل تحمل آن باید به عدم اضرار به دیگران محدود کرد.

۴- حکومت امری است جعلی و قرار دادی که مسؤولیت آن محدود به امنیت است.

اصول عقلانیت اسلامی:

۱- خلق همه پدیده های هستی به شمول انسان که گل سر سبد هستی و اشرف مخلوقات می باشد بر بنیاد هدفی ویژه صورت پذیرفته است.

۲- انسان توسط اعمال صالح به کمال وسعادت مطلوب رسیدنی است.

۳- هر عمل ما می تواند برای شخص ما منشأ نفع و ضرر باشد و در این امر سلب اختیار ملاک نبوده بلکه میزان تأثیر آن در حرکت به سوی کمال است.

۴- تشکیل جامعهء مدنی یک وظیفه است که در حرکت به سوی کمال امری است اجتناب ناپذیر.(۱۱) اکنون در روشنایی اصول هر دو مکتب الهی و زمینی می پردازیم به همسویی ها و تفاوت های این دو مکتب:

همانطوری که در دموکراسی غربی بر روند بحث و انتقاد از مسؤولان تأکید شده، و بنا به گفته "کارل پوپه" در مورد شکل معقول حکومت که می گوید: "هر کس در معرض اشتباه است و با انتقاد دیگران می تواند به آن پی برد..."(۱۲) اسلام هم به حیث یک آیین خدا محوری هیچ کسی را جز پیامبر صلی الله علیه وسلم از اشتباه مصئون نداشته و به هر کس حق می دهد تا از مسؤولان انتقاد نماید که عملکردهای خلفای راشدین طوری که قبلاً بدان ها اشاره رفت خود گواهی است بر این ادعا.

آنگاه که خلیفهء دوم حضرت عمر رضی الله عنه ضمن خطابه اش بر فراز منبر در پیرامون مهر خانم ها سخن به میان آورده ومی خواست اندازهء مهر را کم نماید، در این وقت زنی در برابر خلیفهء مسلمانان با ذکر این آیهء کریمه "واتیتم احداهن قنطارا... الآیه".(۱۳) استدلال نموده و عمر رضی الله عنه بعد از قناعت در برابر استدلال آن زن می گوید: "این زن به حق است و عمر به راه خطا رفته است".

حضرت علی رضی الله عنه آن گاه که شخصی با نظر او مخالفت ورزید فرمود: "رای شما درست است و من اشتباه نمودم". و این آیت را تلاوت نمود: "وفوق کل ذی علم علیم".(۱۴)

پاورقی ها:

۱-دکتور جمال الدین محمد محمود/الاسلام و المشکلات السیاسیه المعاصره ص۶۰-۲۵۹.
۲-دکتور محمد عماره/بحث عن الاسلام وحقوق الانسان.
۳-سورهٔ اسراء/۷۰.
۴-سورهٔ ص/۷۲.
۵-سورهٔ بقره/۳۰.
۶-سورهٔ اعراف/۱۷۵.
۷-دکتور جمال الدین محمد محمود/الاسلام والمشکلات السیاسیه المعاصره ص۳-۲۸۲.
۸-دکتور جمال الدین محمد محمود/الاسلام والمشکلات السیاسیه المعاصره ص۲۸۵.
۹- من المساوات فی الاسلام/تألیف دکتور عبدالمنعم برکت.
۱۰-دیوان شعر اقبال
۱۱-محمد جواد لاریجانی/تدین حکومت وتوسعه ص ۲۰۵-۱۹۹.
۱۲-عبدالرحمن عالم بنیادهای علم سیاست ص۳۰۴.
۱۳-سوره نساء/۲۰.
۱۴-دکتر یوسف قرضاوی/فقه سیاسی ترجمهٔ عبدالعزیز سلیمی ص۱۷۴.

صلح هدفی ...

از صلح سخن می گوییم ولی اکثریت کشور ها هرسال بخش بزرگی از بودجهء خویش را صرف مسابقات تسلیحاتی و بودجهء نظامی می کنند.

قرار امار های مؤثق چندین مرکز مطالعات استراتژیک در اروپا هزینهٔ نظامی امریکا در سه روز اول جنگ در عراق روزانه ۵۰۰ میلیون دلار بوده است در حالی که امریکا از روز دهم تا پانزدهم روزانه یک میلیارد و ۵۰ ملیون دلار صرف مصارف جنگ در عراق نمود. مصارف امریکا از آغاز جنگ تا اکنون سر به صدها ملیارد دالر می زند. با چنین مبلغ عظیمی امریکا قادر بود تا گرسنگی را در جهان ریشه کن سازد اما جنگ مسلحانه از جنگ با گرسنگی ترجیح دارد.با جنگ گرم است که چرخهای اقتصاد کشورهای تولید کنندهء جنگ افزار به حرکت در می اید.

آیا تجربه یی که از مصیبت های جنگ به وجود می آید می تواند انسانها را به سوی صلح متمایل سازد؟ در جنگ جهانی دوم(۱۹۳۹-۱۹۴۵) بیش از ۳۶ میلیون انسان به قتل رسیدند اما ۱۴ سال بعد جان کنیدی در سال ۱۹۵۹ گفت:

هیچ مسأله یی به قدر مسألهٔ امنیت ملی و دفاعی برای هریک از امریکایی ها اهمیت ندارد... ما در این کشور باید آماده باشیم تا با یک جنگ اتمی تمام عیار مقابله کنیم و الا نخواهیم توانست یک حملهء اتمی تمام عیار را منحرف نماییم، باید موشک های بیشتر و بهتر داشته باشیم. سیستم اخطاری بیشتر و بهتر داشته باشیم تا نیروی استراتژیک مقتدر تری بوجود آوریم...

اکنون دهها سال از آن سخنان می گذرد ولی هنوز بهانهء دفاع از خود وسیله یی جهت آمادگی برای جنگ است و هر جنگی به این بهانه به راه می افتد تا صلح و امنیت را به جهان ارمغان آورد. مثال های تهاجم مشترک انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۵۶ به مصر، جنگ ویتنام و دهها نمونهٔ دیگر.

در سال ۱۹۹۴ بیل کلنتون رئیس جمهوری وقت امریکا در توجیه مداخلهء نظامی امریکا در هایتی گفت که این کار نوعی سرمایه گذاری به خاطر صلح و امنیت امریکا در آینده است و استقرار دموکراسی در هایتی برای تأمین امنیت امریکا ضروری است.

نیروهای آمریکایی در عراق هدف...



یک گزارشگر بی بی سی در بغداد می گوید نیروهای آمریکایی روزانه در این منطقه، مورد حملات مداوم قرار می گیرند.

مردم عراق همچنین از تعداد تلفات در میان افراد محلی، که توسط نیروهای آمریکایی کشته شده اند، بسیار خشمگینند.

به تازگی سربازان آمریکایی هشت افسر پلیس عراقی را ... شهری نزدیک به خالدیه به اشتباه کشته اند

بی بی سی - انترنت

احکام جزایی اسلام

تعزیرات، وفرق بین آن و حدود

سیدناصرتقدسی

قبل از این که به موارد فرق بین حدود وتعزیرات پرداخته شود، مقدمتاً بایستی شناخت کوتاهی از تعزیرات داشته باشیم تا در روشنی آن فرق میان حد و تعزیر را خوب تر درک نماییم.

تعریف تعزیرات:

تعزیرات جمع تعزیر، و آن عبارت از عقوبت و جزایی می باشد که اندازهء آن را شریعت مشخص نکرده بلکه صلاحیت تعیین آن را برای رئیس دولت و فرمان روای مسلمان ها واگذاشته است، تا وی ویا نماینده اش (قاضی) با رعایت حالات مشدده ومخففهء جرم وظروف متهم و رویهم رفته با در نظرداشت شرایط زمان و مکان، چگونه یی که لازم می دانند و مصلحت مسلمانان تقاضا می کند تصمیم بگیرند. البته پیمانهء ترقی کشورها و پیشرفت تمدن و تهذیب جامعه، در مقاطع مختلف زمان در تعیین جزاهایی از این دست، مؤثر می باشد.

"دکتر وهبه الزهیلی صاحب "الفقه الإسلامی وأدلته" در مورد این که تعزیر،در کدام جرایم تطبیق می شود؟ می گوید: تعزیر در تمام جرایمی که در آن حد وکفاره وجود ندارد تطبیق می گردد، فرقی نمی کند که این جرایم تجاوز بر حق خدا باشد، مانند خوردن روزه بدون عذر، ترک نماز، بهره (سود)، انداختن نجاست و اشیای مضره در راه مردم. ویا تجاوز بر حق افراد و بندگان خداباشد، همچون بوسیدن زن بیگانه، سرقت مالی که از حد نصاب کمتر بوده باشد. سرقت اشیای غیر مصئون، خیانت امانت، دشنام دادن وغیر آن.

فرق بین حدود و تعزیرات:

بنا بر تحقیق و پژوهش فقهای مسلمان، حدود و تعزیرات، در مواردی متعدد از یک دیگر فرق دارند. و امام قرافی مالکی در کتاب "الفروق" موارد فرق میان حدود و تعزیرات را در طی ده ماده یاد آور شده است که با اندک تصرف و تلخیص ذکر می گردد:

تقدیر (اندازه): جزای حدود و قصاص از جانب شریعت قبلاً تعیین و مشخص شده است اما در تعزیرات شریعت اسلامی جزای معینی مقدر نکرده بلکه برای فرمان روا و قاضی صلاحیت داده است تا مطابق حالات متهم و حجم جریمه، مرتکب جرم را مجازات نمایند؛ به شرطی که حاکم و نمایندهء آن (قاضی) از عدالت و تقوای کامل برخوردار بوده باشند.

وجوب تنفیذ: تنفیذ حدود و اجرای قصاص، تازمانی که صاحب حق عفو نکرده و ابرا نداده باشد، بر فرمان روا و حاکم مسلمان واجب است، و به هیچ صورت در آن جایی برای گذشت و عفو و شفاعت وجود ندارد. در حالی که به قول جمهور فقها (مالک، ابو حنیفه واحمد) تعزیر اگراز حق الله باشد، اهمال و ترک آن ناجایز است، اما فرمان روای مسلمان در صورتی که به مصلحت امت بداند، اجازه دارد که شفاعت وگذشت در این خصوص را بپذیرد. و اگر در تعزیر حق العبد دخالت داشته باشد، تا آن گاهی که صاحب حق به عفو مجرم وانصراف از دعوی خویش نپردازد، حاکم حق ترک تعزیر را نخواهد داشت.

همخوانی با قاعدهء عمومی: تعزیر مطابق با اصل وقاعدهٔ عمومی صورت می گیرد که ضرورت اختلاف جزا به اختلاف جرم را ایجاب می کند. اما حدود به اختلاف جسامت جرم مختلف نمی شود، به این دلیل که شریعت اسلامی میان جرایم حدود- کم باشند ویا زیاد- تفاوتی قایل نیست؛ به طور نمونه اگر کسی یک دینار ویا یک هزار دینار سرقت نماید، ویا درخصوص شراب، اگر یک قطره ویا یک بوتل را بنوشد، مساویانه حد بر وی جاری می گردد. به همین ترتیب در قصاص بین قتل یک مرد عالم صالح نیکوکار وقهرمان و قتل یک فردگمنام و بی نشانی که از لحاظ اجتماعی موقفی پایین تر دارد مساوات وجود دارد.

وصف جرم به گناه و عدم آن: تعزیر عبارت از تأدیب وسرزنشی است که به منظور جلوگیری از فساد به منصهء اجرا در می آید، و گاهی می شود که در اجرای تعزیر گناهی در میان نباشد، مانند تأدیب کودکان و دیوانگان وحتا چهار پایان. اما هیچ نوع حدودی را در شریعت سراغ نداریم که بدون گناه مقدر شده باشد؛ به این مفهوم که بر آدم بی گناه، حد جاری نمی گردد.

سقوط جزا: هرچند جزای تعزیری چنان که گفته آمد، لزوماً باید نافذ گردد، اما گه گاه این جزا در حالات خاص ساقط می شود، در حالی که حدود پس از آن که واجب الاجرا می گردد که به هیچ صورت ساقط نمی شود.

اثر توبه: تعزیر به اثر توبه و ندامت ورجوع به سوی پروردگار، ساقط می گردد. ولیکن حدود بنا به گفتهء جمهور علما غیر از علمای حنابله به اثر توبه ساقط نمی گردد. البته حد حرابه ورهزنی از این حکم مستثنی بوده و توبه در آن مؤثر می باشد، چنان که خداوند می فرماید: (إلا الذین تابوا من قبل أن تقدروا علیهم). یعنی: مگر کسانی که پیش از دست یافتن، (قبل از اجرای حد) برایشان توبه کرده اند.

اختیار: در تعیین اندازهء جزای تعزیرات برای حاکم اختیار است. اما در حدود، به استثنای حد حرابه، اختیار به هیچ وجه قابل قبول نمی باشد.

رعایت حالات مخففهٔ : جزای جرایم ایجاب کنندهء تعزیر، بر حسب ظروف فاعل و مفعول به وحجم جرم سنجیده می شود، وحالات مخففه، در تعیین جزای آن معتبر پنداشته می شود. در حالی که حدود وقصاص، بر عکس تعزیرات از ظروف متهم وحالات مخففهٔ جرم تأثیر نمی پذیرد.

رعایت زمان ومکان: فرق دیگر تعزیر از حدود آن است که تعزیر، به اختلاف زمان ومکان مختلف می شود و تغییر می کند، چه بسا از اعمالی که در یک شهر تعزیر است ولی در شهری دیگر فضیلت و کرامت پنداشته می شود.

حق الله وحق العبد: تعزیر دوگونه است: یکی آن که به خاطر رعایت حق خدا، تعیین و مقرر شده است، مانند تجاوز بر صحابه و قرآن وهتک حرمت مقدسات دینی و سایر قضایایی از این دست. ودیگری که به منظور رعایت حق بنده مقرر گردیده است مانند ضرب و شتم افراد وتعدی بر آبروی انسان ها وغیره.

اما حدود به طور کلی به خاطر رعایت حق الله مشروع شده است به استثنای قذف که حق بنده را نیز در بر دارد.

مراجع:
-قرآن کریم
۲-الفقه الإسلامی وأدلته
۳-الفقه علی مذاهب الأربعه
۴-الموسوعه الفقهیه
۵-فقه السنه
۶-الفروق

آیا زن شهروند درجه . . .

هنگامی که حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، در زمان خلافت خویش مشاهده نمود زرهی را که یکتن ازمسلمانان برمبنای حکم مذکور به غنیمت گرفته است، سی هزار درهم ارزش دارد، از پرداخت آن زره به فرد مذکور خود داری نمود.

برخی با این استدلال که احکام اسلامی منحیث المجموع از قرآن وسنت گرفته می شود، معتقدند مجموع احکام منشأ ارزشی دارند وتفکیک فقه اجتماعی اسلام به ابعاد: ارزشی، تکوینی واجتماعی وجود شک وتردید به جاودانه بودن شریعت اسلامی را نشان می دهد.

این استدلال مبنایی منطقی واصولی ندارد، چرا که تنها به وجه آسمانی وخدایی احکام نظر دارد ولی از وجه بشری وزمینی آن غفلت می ورزد. به سخن دیگر ازلی وثابت بودن صفات خطاب کنندهٔ احکام یعنی خداوند را در نظر می گیرد اما ناپایداری حالات مخاطب احکام یعنی انسان را فراموش می نماید.

فقه عبادی اسلام که شیوه وطریقهٔ رابطهٔ عمودی میان انسان وخداوند را بیان می کند هر چند - خصوصیات تکوینی بشر در آن لحاظ شده است- از محتوای کاملاً ارزشی برخوردار است وهرگز امکان تغییر در شیوه وطریقهٔ عبادت از بعد اجتماعی، حتی در ذهن هم خطور نمی کند.

اما فقه اجتماعی اسلام یعنی رابطهٔ افقی میان انسان ها بایکدیگر، هم ازبعد ارزشی وتکوینی نشأت می گیرد وهم از بعد اجتماعی، بگونه یی که در برخی احکام بعد اجتماعی اهمیت دارد ودر برخی دیگر بعد ارزشی ویا تکوینی. تفاوت اساسی میان فقه عبادی و فقه اجتماعی اسلام در این امر مهم نهفته است که تغییرات و تحولات اجتماعی - تاریخی به هیچ صورت موجب تغییر در احکام فقه عبادی اسلام نمی شوند و این در صورتی است که ممکن است در اثر تغییرات و تحولات اجتماعی، در فقه اجتماعی اسلام نیز تغییراتی وارد شود.

احکام نظام برده داری یعنی رابطهٔ حقوقی میان غلام وکنیز با مالک وبادارش از بعد اجتماعی نشأت گرفته است ومحتوای ارزشی در این احکام به هیچ صورت به مشاهده نمی رسد. آیا می توان استدلال کرد که در پیشگاه خداوند بردگان به سبب بردگی شان از باداران خویش مقام فروتر وپست تری دارند ویا در آخرت، بهشت و دوزخ باداران، جدا از بهشت ودوزخ موالی وبردگان است؟ واقع امر آن است که به لحاظ خصوصیات اجتماعی صدر اسلام که امکان امحای کامل نظام برده داری میسر نبود، برده داری برای جامعهٔ اسلامی تحمیل شد و احکام آن در فقه اجتماعی اسلام بیان گردید.

با ملاحظهٔ شواهد فراوان هرگز نمی توان انکار کرد که صحابهٔ کبار به خصوص خلفای راشدین ابعاد اجتماعی احکام اسلامی را از بعد ارزشی آن ها تفکیک نموده در برخی احکام متناسب باتغییرات اجتماعی عمل می نمودند. خلیفهٔ دوم مسلمانان، حضرت عمررضی الله تعالی عنه، به لحاظ تغییراتی که بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، در جامعهٔ اسلامی آن روز رونما گردیده بود، در مورد برخی احکام اجتماعی به نحوی متفاوت با زمان پیامبر اکرم، صلی الله علیه وسلم، وحضرت ابوبکر صدیق، رضی الله تعالی عنه، عمل نموده است.

نحوهٔ طلاق زنان در زمان پیامبر اکرم،صلی الله علیه وسلم، وزمان خلافت حضرت ابوبکرصدیق، رضی الله تعالی عنه، و دو سال از خلافت حضرت عمر، رضی الله عنه، به گونه یی بود که در سه جلسه یعنی در سه مرحله صورت می گرفت واگر در یک جلسه از جانب مرد چندین مراتب هم لفظ طلاق ادا می شد تنها یک مرحله از طلاق محسوب می شد؛ اما حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، با این ملاحظه که برخی مردان از این حکم سوء استفاده نموده به قصد اذیت زنان، فاصلهٔ زمانی میان دو مرحلهٔ طلاق را طولانی می سازند، حکم صادر نمود که اگر مردی در یک جلسه سه مراتب لفظ طلاق را بکار گرفت، جدایی کامل میان زن وشوهر صورت می گیرد.

کفار تازه مسلمان به تعبیر قرآن کریم«مؤلفه القلوب» برمبنای نص صریح قرآن از زمرهٔ شش گروهی بودند که سهمی از زکات دارایی اموال مسلمانان به آنان تعلق می گرفت؛ اما حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، در زمان خلافت خویش با این ملاحظه از پرداخت سهم آنان خود داری نمود که این حکم را مربوط به زمان ضعف مسلمانان می دانست.

حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، در سال های قحطی وخشکسالی به سبب وضعیت سخت ودشوار زندگی ومعیشت مسلمانان، حکم قطع دست سارق را در حالی که به نص صریح قرآن کریم وارد شده است، مورد تعویق قرار داد.

نحوهٔ توزیع غنایم سهم بیت المال در زمان خلافت حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، به حسب مراتب زمانی دخول افراد در اسلام انجام می یافت واین در حالی بود که قبل از آن، توزیع غنایم سهم بیت المال به این نحو صورت نمی گرفت.

برمبنای فرمایش پیامبر اکرم، صلی الله علیه وسلم، اگر فردی از مسلمانان در هنگام جنگ به تنهایی یکتن از کفار را به قتل می رسانید، دارایی به غنیمت گرفته شده از کافر مذکور، سهم وی می گردید، اما هنگامی که حضرت عمر، رضی الله تعالی عنه، در زمان خلافت خویش مشاهده نمود زرهی را که یکتن ازمسلمانان برمبنای حکم مذکور به غنیمت گرفته است، سی هزار درهم ارزش دارد، از پرداخت آن زره به فرد مذکور خود داری نمود.

همچنان خلیفهٔ سوم مسلمانان، حضرت عثمان، رضی الله تعالی عنه، هنگامی که مشاهده نمود به سبب ازدیاد اموال غنایم سطح معیشت مسلمانان ارتقا پیدا کرده است وکمتر کسی یافت می شود که به گرفتن زکات محتاج باشد، حکم اخذ وتوزیع اموال زکات بوسیلهٔ دیوان خلافت را ملغا نمود وبه ثروتمندان اختیار داد تا خود آنان مستحقان را جستجو نموده زکات دارایی خود را بپردازند واین درحالی بود که حضرت ابوبکر صدیق، رضی الله تعالی عنه، باکسانی که از پرداخت زکات اموال خویش به بیت المال مسلمانان خود داری می نمودند بابرخورد مسلحانه به مقابله برخواست.

به این نحو در فقه اجتماعی اسلام، شواهد ودلایل زیادی مبنی برتفکیک بعد اجتماعی احکام از بعد ارزشی آن ها ، یافت می شود که ذکر فتاوای صحابهٔ کبار در این مورد ونظراتی که از سوی فقهای بزرگوار اسلام برمبنای قواعد اصولی در زمینه ارایه شده است، از حوصلهٔ این مقال خارج است.

اینک با توجه به شواهد ودلایل فوق، مطلب اساسی نوشتار حاضر با این پرسش واضح می شود که آیا احکامی که در فقه اجتماعی اسلام، پیرامون حقوق وجایگاه زن در جامعهٔ اسلامی وجود دارد از بعد ارزشی نشأت گرفته است، یا از ابعاد تکوینی و اجتماعی؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست حقوق زن در اسلام را در ابعاد سه گانه فوق بطور جداگانه مطرح می نماییم وسپس بااستفاده از قواعد اصولی شریعت اسلامی، تفکیک موجود میان ابعاد مختلف موضوع مذکور را بیان نموده، نظرات متفاوت در مورد آن را مطرح می سازیم.

ادامه دارد

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
مي کیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره ٤٥ چهارشنبه ۲ میزان ۱۳۸۲ ۲۷ رجب المرجب ١٤٢٤ - 24 September 2003

زموږ قوت زموږ په دین او یووالي کې دی

ش-زیارمل

دافغانستان دجهاد او مقاومت مشر او د افغانستان د اسلامي جمعیت رهبر دېغمان په جامع جومات کې دجمعې دلمانځه په خطبه کې خلکو ته په خطاب کې وویل: زموږ قوت زموږ په دین او زموږ په یو موټي والي کې دی".

داسلامي جمعیت دمشر دغه خبره دکانې کربنه او دپند او عبرت نه ډکه بریښي او دا ځکه چې موږ په تیرو څوارلس سوو کالو کې داسلام دمقدس دین قوت ازمویلي او کوم شي چې تر اوسه یې زموږ دهیواد ویاړ، فرهنګ او تاریخ ته خلا ورکړي او زموږ دتلپاتې پاینښت او له سترو پیښو سره دمقاومت او سو بې سبب شوي هغه زموږ دین او زموږ خلکو ته دالهي دستوراتو او لارښووني له مخې زموږ مقدس اسماني قانون یعني قرآن عظیم الشان دي چې زموږ په اسلامي جامعه کې داجتماعي عدالت، وروري، سولي، پرمختګ او دهر ډول انساني حقوقو دساتنې او دانساني کرامت دخوندیتوب امر کوي او موږ ته ئې دغه راز امر ونهي. تولنیز نظم. ثبات. دتورو دحقوقو پیژندنه سمه او ناسمه لاره را ښوولي او موږ په خپلو دغو اسلامی معتقداتو چی ۳مخ

نمایندهٔ ویژهٔ سازمان ملل در خاور میانه:

اسرائیل هرگونه تدابیر امنیتی را در خاک خود اجرا کند نه درسرزمین دیگران

یک هیأت بلند پایه از نمایندگان اسرائیلی برای جلب حمایت آمریکا از مسیرهای پیشنهادی برای برپا کردن یک حصار جنجال برانگیز، که اسرائیل برای احداث آن در کرانهٔ باختری برنامه ریزی می کند، وارد واشنگتن شده است.

این هیأت که داو وایسگلاس، از مشاوران ارشد آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل آن را سرپرستی می کند، قرار است با کندولیزا رایس، مشاور امنیت ملی آمریکا و سایر مقام های این کشور دیدار و گفتگو کند.

اسرائیل می گوید این مانع با هدف جلوگیری از ورود پیکارجویان فلسطینی به اسرائیل برای انجام حملات انتحاری و غیره طراحی شده است. کابینهٔ اسرائیل قرار است طی یک هفته دربارهٔ مسیر احداث آن تصمیم گیری کند.

هرچند آمریکا از متحدان نزدیک اسرائیل است اما بار بار نارضایتی خود را نسبت به چنین حصاری ابراز داشته است و حتی اسرائیل را به اعمال تحریم های اقتصادی تهدید کرده است.

برخی از مقام های آمریکایی از این حصار به عنوان تلاشی که نیت آن ایجاد مرزهای عملی پیش از مذاکرات نهایی صلح است و بخش های



بزرگ تری از سرزمین های فلسطینی را به خاک اسرائیل ضمیمه می کند انتقاد کرده اند.

ترژی رود-لارسن، نمایندهٔ ویژهٔ سازمان ملل متحد در خاورمیانه هفتهٔ گذشته از این حصار انتقاد کرد و گفت اسرائیل حق دارد هرگونه تدابیر امنیتی مورد نظر را در خاک خود اجرا کند، اما نه در سرزمین سایر مردم.

گفته می شود براساس طرح های موجود این حصار حداکثر تعداد ممکن از شهرک های یهودی نشین را در بر می گیرد. یکی از عمده ترین مسائل برجسته به آریل، یک شهرک بزرگ یهودی نشین در شمال کرانهٔ باختری مربوط می شود که اگر حصار مزبور آن را نیز در بر گیرد بخش بزرگی از سرزمین فلسطینی را نیز پوشش خواهد داد.

رئس دولت درمجمع...

حامد کرزی در قسمتی دگر از اظهارات خویش گفت: "ما قبول می کنیم که امنیت به صورت کامل و سراسری نیست اما طی این مدت کوتاه در هیچ نقطهٔ دگری به این سادگی امنیت تامین نشده است.

و افزود "مردم ما از حضور نیروهای ایساف ظهار خرسندی می کنند و بنابران علاقه دارند، ین نیروها به سایر ولایات کشور نیز گسترش یابند، تا امنیت به کمک ایشان در سراسر فغانستان به صورت کامل تأمین شده بتواند".

حامد کرزی در قسمتی از سخنرانی خویش گفت: "ما ترکیب جداگانه یی از جهان نیستیم، ما با آسیای میانه وشرق میان بستگی وتعلق داریم".

"این به منافع همه کشورها مربوط است تا با هم همکاری داشته باشند؛ ما برای حل تمام مسایل از جمله مسأله تروریزم و قاچاق مواد مخدر باید همکاری نمایم".

آقای کرزی در بخشی از سخنرانی خود، موضوع امنیت و باز سازی در افغانستان را با هم مربوط دانسته گفت: "دوباره آباد ساختن وطن و منیت به همدیگر وابسته هستند و ما از جامعه جهانی و به طور خاص از آلمان و ایالات متحدهٔ آمریکا قدردانی می کنیم که برای احیای ادارات منیتی با ما کمک می کنند".

آقای کرزی از کشورهای همسایه توقع تأمین روابط دوستانه و همکاری متقابل نموده بیان داشت: "ما در شرایط حاضر با کشورهای جهان روابط نیک خود را می خواهیم حفظ کنیم. ما به سوی پاکستان دست محبت و اخلاق دراز می کنیم و به حیث یک ملت مهذب با همهٔ همسایگان خود آرزوی تأمین روابط مهذب را داریم".

در حاشیهٔ این اجلاس بزرگ آقای کرزی با سران کشورهای ایالات متحدهٔ آمریکا، انگلستان، آلمان، کانادا و پاکستان ملاقات و مذاکراتی خواهد داشت.

آیا زن شهروند درجه دوم است؟!

سفید روان

در حال وهوایی که کشور در آستانهٔ تدقیق وتصویب قانون اساسی، در مرزمیان افغانستان گذشته وافغانستان آینده قرار گرفته است؛ پرسش از جایگاه زن وبخصوص نسبت حقوقی وی باجنس مرد، همچون معضله یی دشوار وتأمل برانگیز ذهن جمع کثیری از افراد وبیشتر از همه جامعهٔ روشنفکری کشور را به خود مشغول داشته است؛ ولی باکمال تأسف، باوجود آن که گفتگو ومناقشهٔ فراوان پیرامون این موضوع صورت می گیرد، اظهار نظرها از حد طرح وارایهٔ چند شعار، که یا به پیروی ز متون فقهی ویا به تقلید از مجامع غربی مطرح می شود، فراتر نمی رود.

برخی از اندیشمندان دینی که باعلوم جدید وخصوصیات دنیای مدرن کمتر آشنایی دارند، باشنیدن مقولهٔ تساوی حقوق زن ومرد به گونه یی برافروخته می شوند که گویی باپذیرش این مفهوم، مجموع باورها واعتقادات دینی، مورد سؤال قرار می گیرد. برخی دیگر وبیشتر شبه روشنفکران غرب باور، زن وحقوق او در جامعه را به نحوی تعریف می کنند که به تعبیر اندیشمندان انگلیسی می خواهند «جنس سومی» را خلق کنند که نه زن باشد ونه مرد.

نگارنده برآن است که اگر بخواهیم فقه اجتماعی اسلام بخصوص جایگاه وحقوق زن در جامعه را باروش های نوین علمی مورد بحث قرار دهیم، بسیاری از ابهامات وکج فهمی هایی که ذهن برخی افراد را به خود مشغول داشته است، برطرف خواهد شد.

احکام اجتماعی شریعت اسلامی از سه بعد ذیل نشأت می گیرد:

بعد ارزشی، بعد تکوینی ، بعد اجتماعی.

هر حکم اجتماعی اسلام ممکن است از یکی ویا از مجموع دو ویا سه بعد فوق ناشی شود. از این رو تفاوت های موجود میان احکام مختلف برمبنای محتوای رسالت اسلام می تواند از لحاظ ارزشی بودن، تکوینی بودن واجتماعی بودن مورد بررسی قرار گیرد و در وجوه مختلف تفکیک شود.

ص۷

از نامه های آمده

چای پولی های قانونی

در این اواخر از زور بیکاری به مقصد جستجوی کار در کشورهای همسایه، برای گرفتن جواز تجارت انفرادی اقدام نمودم. در رفتن به شعبات وادارات وزارت تجارت، مالیه و بانک، به برخی نکته های جالب بر خوردم که حیفم آمد آن را از طریق نشریهٔ شما با هموطنان خویش در میان نگذارم. بر شما پوشیده نخواهد بود که ۹۵ فیصد متقاضیان جواز تجارت، هدف تجارت نداشته بلکه در اخذ جواز، تسهیلات ویزای ورود به کشور ها را مد نظر دارند که من نیز از همین دسته ام.

به هر صورت عریضه یی به دفتر وزیر تجارت تقدیم داشتم و از همانجا چهرهٔ کریه فساد اداری در مقابل چشمانم ظاهر گردید. با وجودی که در صدر عریضه شهرت مکمل ونمبر تذکره ام تحریر یافته بود، امر نویس وزیر تذکره ام را مطالبه نمود. وقتی که دریافت، تذکره نزدم نیست، تحریر امریه را به رؤیت تذکره موکول ساخت. التماس و خواهش من کار گر نیفتاد. فردا با ارایهٔ تذکره به دریافت امر توفیق یافتم.

قدم بعدی اخذ فورمه شهرت است. قیمت فورمه صد افغانی تعیین شده مگر توزیع کنندهٔ آن ۱۱۰ افغانی می گیرد و این ده افغانی اضافگی را از هر متقاضی که تعداد شان روزانه به بیش از صد نفر می رسد اگر محاسبه کنید چه قدر پول خواهد شد؟ مسلم است که یک تحویلدار ساده، آن همه پول را به تنهایی خورده نمی تواند.

آنچه مرا به ارسال این نامه ناگزیر ساخت تحویل مبلغ پنجاه افغانی پول سکوک به مدیریت عمومی مالیات انفرادی مستوفیت است که برای تحویلی این پول مبلغ ۶۰ افغانی به عنوان پول چای از من گرفتند. مامور نگارندهٔ تعرفه ۲۰ افغانی قیمت تعرفه را اخذ نمود. صراف، مامور مؤظف و کنترولر وحتی پیادهٔ دفتر نیز مطالبهٔ "پول چای" را نمودند که برای اتان ۴۰ افغانی و در مجموع برای تحویلی ۵۰ افغانی در بانک شهری حانگه اول مبلغ شصت افغانی شیرینی دادم. در این هنگام پرسشی در ذهنم شکل گرفت که وقتی در تحویل پول جیب دولت آدم مجبور به دادن شیرینی باشد اگر چانس بیاورد که خدای نخواسته از بانک پول بگیرد، مجبور به چه کارهایی خواهد شد؟!

مامور ثبت احصائیهٔ انفرادی مستوفیت نیز حق و حلال ۸۰ افغانی قیمت دوسیه را گرفت تا فوتوکاپی فورمه را در آن نگهداری نماید. شایان ذکر است که یک دوسیه پنج افغانی در بازار فروخته می شود.

مراجعه کنندگان شعبات وزارت تجارت، مالیه، بانک ها و محاکم می دانند که هیچ قلمی بروی کاغذ کش نمی شود تا در بدل آن پول داده نشود. به نظر می رسد از موقعی که کمیسون مستقل اصلاحات اداری تشکیل و به کار خود آغاز کرده، شیوع فساد اداری بیشتر شده است.

باز جای شکرش باقی است که ماموران پایان رتبهٔ دولتی به ۲۰-۵۰ و ۱۰۰ قانع اند و مانند بزرگان مملکت "چای پولی" آنان به ۵ هزار و ده هزار دالر نمی رسد.

با احترام
حاجی رضا از سرای غزنی